

زندگی بهتر

هشدار درباره خطر این نوع مسمومیت در فصل بهار



رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیر حوادث دانشگاه علوم پزشکی تبریز درباره خطر مسمومیت با قارچ‌های سمی در فصل بهار هشدار داد.

سعید قدیمی، روز دوشنبه نسبت به افزایش خطر مسمومیت با قارچ‌های سمی موجود در طبیعت در فصل بهار هشدار داد.

مهر نوشت: وی با تأکید بر خطرات جدی مسمومیت‌های قارچی، افزود:

تشخیص اشتباه میان قارچ‌های خوراکی و سمی می‌تواند منجر به آسیب‌های شدید و جبران‌ناپذیر به کبد و کلیه و حتی مرگ شود.

قدیمی از شهروندان خواست از مصرف هرگونه قارچ وحشی بدون تأیید کارشناسان متخصص خودداری کرده و در صورت بروز هرگونه علامت گوارشی، بلافاصله با شماره ۱۱۵ تماس بگیرند یا به مراکز درمانی مراجعه کنند.

کتابخانه

«روایت یک جنایت» منتشر شد

کتابچه «روایت یک جنایت» با تمرکز بر حملات موشکی به مراکز فرهنگی، هنری و آموزشی در روزهای جنگ رمضان، منتشر شد؛ روایت‌هایی مستند از حملاتی که هیچ‌نسبتی با اهداف نظامی نداشتند و تصویری روشن‌تر از ماهیت جنایت آمریکایی‌صهیونی‌ارانه می‌دهند.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ



و ارشاد اسلامی؛ کتابچه ۳۶صفحه‌ای «روایت یک جنایت» با عنوان فرعی «جنگ علیه فرهنگ و انسانیت» با هدف ثبت مستند جنایت‌های فرهنگی و هنری روزهای جنگ رمضان، منتشر شد. در این کتابچه تلاش شده تا حملات پراکنده اما تکان‌دهنده‌ای که در میان انبوه اخبار جنگ ممکن است فراموش شوند، در قالب یک روایت منسجم گردآوری شود. این اثر سرفه به نقاط مختلف ایران است که مورد هدف بمب و موشک قرار گرفته؛ خواننده این روایت، سفر خود را از نخستین ساعات حمله به تهران آغاز می‌کند و سپس در اولین روایت به میناب و دیستان شجره طیبه می‌رسد؛ مدرسه‌ای که تنها سه ساعت پس از آغاز جنگ هدف حمله قرار گرفت و ۱۵۶ کودک دبستانی در آن به شهادت رسیدند. در ادامه این روایت، مخاطب به بیمارستان گاندی، کتابفروشی‌ای در تبریز، چند چاپخانه در تهران، دفتر یک انتشارات در شهرری، خانه شهدای اهل قلم، چند کتابخانه در تهران و زنجان، یک آموزشگاه موسیقی، گالری، دفتر یک شبکه تلویزیونی، مسجد، کنیسه، سالن تئاتر و سینما سفر می‌کند؛ مکان‌هایی که هیچ‌یک در چارچوب تعریف‌شده اهداف نظامی جای نمی‌گرفتند؛ اما مورد هدف واقع و تبدیل به تلی از آوار شدند. روابط عمومی معاونت امور فرهنگی تأکید دارد که حجم گسترده اخبار در روزهای جنگ باعث می‌شود برخی گزارش‌های تکان‌دهنده فراموش یا در میان خیرهای فوری گم شوند. از این رو، هدف از گردآوری این کتابچه ثبت و مستند کردن این وقایع در قالب روایتی منسجم به زبان فارسی و انگلیسی است تا در اختیار خبرنگاران داخلی، خارجی و اهل رسانه قرار بگیرد. در پایان این روایت، نویسنده تنها به یک عدد اشاره می‌کند؛ عددی که به‌تنهایی برای سوگواری یک جهان کافی است: کشته‌شدن ۱۸ کودک زیر پنج سال در روزهای جنگ رمضان، کودکانی که میان آنها حتی چند کودک شیرخوار دیده می‌شود. این واقعه، مستقل از ملیت، دین یا نژاد، باید وجدان هر انسان بیدار و آگاهی را به لرزه درآورد؛ زیرا بسیاری از این کودکان هنوز حتی نام خیابان و کوچه خود را نمی‌دانستند، معنای جنگ را درک نکرده و بعضی حتی به زبان هم نیامده بودند. در نهایت این روایت می‌خواهد بگوید که اگر کسی بتواند از کنار تمام فجایع روایت شده بگذرد، چشم بستن بر مرگ ۱۸ کودک زیر پنج سال، نه سکوت، که خیانت به انسانیت است. این روایت به قلم شهاب داراییان، ترجمه علیرضا نوری‌زاده و با نظارت محتوایی ایوب دهقان‌کار در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

جنگ چهل‌روزه ۳۳۷۵ کشته بر جای گذاشت
چهل‌روزی که بر شانه‌های ایران آوار شد



در پایان جنگی که از نهم اسفند ۱۴۰۴ تا نوزدهم فروردین ۱۴۰۵ کشور را در هم کوبید، پزشکی قانونی از ثبت ۳۳۷۵ کشته خبر داده است؛ جنگی که شدت آن به حدی بوده که ۴۰ درصد اجساد حتی قابل شناسایی نبوده‌اند. تهران، هرمزگان و اصفهان بیشترین تعداد قربانیان را به خود اختصاص داده‌اند و در میان کشته‌شدگان، از نوزادان چندماهه تا سالمندان بالای هفتاد سال دیده می‌شود؛ تصویری عریان از جنگی که نسل نمی‌شناسد و همه را در دام خود می‌کشد. به گزارش رکنا، در یکی از سنگین‌ترین روایت‌های رسمی سال‌های اخیر، رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور از آماری پرتاب شده که نه فقط گستره خسارت انسانی جنگ ۴۰ روزه را روشن‌تر می‌کند، بلکه لایه‌ای پنهان از رنج و بی‌نامی را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد. عددی که اعلام شده، نه یک رقم خشک اداری، بلکه کارنامه‌ای از سرنوشت انسان‌هایی است که در متن جنگ، در هم‌همه آوار، انفجار و جابه‌جایی‌های کور، آخرین لحظه‌های عمرشان را سکوت تاریخ بلعیده است.

بر اساس گزارش رسمی، ۳۳۷۵ نفر در این جنگ کشته شدند؛ آماری که هرچند در چارچوب یک گزارش قانونی ثبت شده، اما در عمق خود هزاران روایت ناتمام از خانواده‌هایی را حمل می‌کند که هنوز هم ادامه جنگ را در خلأ جای خالی عزیزانشان زندگی می‌کنند.

نهم اسفند ۱۴۰۴، زمانی که زمستان هنوز بر خیابان‌های ایران سایه انداخته بود، جنگی آغاز شد که تنها چهل روز دوام آورد اما زخمی عمیق بر پیکره جامعه گذاشت. جنگی که تا نوزدهم فروردین ۱۴۰۵ ادامه یافت و در نهایت با آتش‌بسی شکننده متوقف شد؛ آتش‌بسی که هنوز هم، در سی‌ویکم فروردین همان سال، بیشتر به مکتی کوتاه در دل یک بحران بزرگ شبیه است تا پایان واقعی آن. رئیس سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده است که در این چهل روز، ۳۳۷۵ نفر کشته شدند؛ عددی که تنها یک آمار خشک نیست، بلکه روایت فشرده‌ای از هزاران زندگی ناتمام، خانواده‌های فروپاشیده و شهرهایی است که ناگهان با خلشاً انسان‌هایی روبه‌رو شدند که دیگر باز نمی‌گردند.

اما شاید تلخ‌ترین بخش این روایت، آن‌جاست که آماری از ناتوانی در شناخت بسیاری از قربانیان خبر می‌دهند.

پیکرهایی که دیگر نام نداشتند
طبق اعلام پزشکی قانونی، ۴۰ درصد

از پیکره‌های کشته‌شدگان قابل شناسایی نبوده‌اند. در زبان سرد آمار، این یعنی هزاران خانواده هنوز در انتظار خبری هستند که شاید هرگز به شکل قطعی نرسد؛ خانواده‌هایی که میان امید و واقعیت معلق مانده‌اند. پیکرهایی که بی‌نام شدند، تنها قربانیان یک حمله یا انفجار نبودند؛ آن‌ها نشانه‌ای از جنگی هستند که حتی هویت انسانی را نیز در هم می‌شکند. هر پیکر ناشناس، داستانی است که دیگر راوی ندارد.

سه استان در کانون مرگ
آمارها نشان می‌دهد بیشترین شمار کشته‌شدگان در تهران، هرمزگان و اصفهان ثبت شده است؛ سه نقطه جغرافیایی که در طول این چهل روز، بیش از دیگر مناطق زیر فشار جنگ قرار گرفتند.

در تهران، صدای جنگنده و انفجارها برای هفته‌ها به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شد. در هرمزگان، نزدیکی به آب‌های استراتژیک خلیج فارس این استان را به یکی از حساس‌ترین نقاط درگیری بدل کرد. و در اصفهان، شهری که سال‌ها نماد تاریخ و هنر ایران بود، ناگهان با واقعیتی مواجه شد که بیشتر به میدان نبرد شباهت داشت تا یک شهر تاریخی.

چهره واقعی جنگ در آینه سن قربانیان
اما وقتی آماری از سن کشته‌شدگان سخن می‌گویند، تصویر جنگ به شکل دردناک‌تری آشکار می‌شود. در میان قربانیان این چهل روز، ۷ نوزاد زیر یک سال نیز حضور دارند؛ کودکانی که حتی فرصت تجربه نخستین سال زندگی را پیدا نکردند.

در رده سنی یک تا دوازده سال، ۲۵۵ کودک جان خود را از دست داده‌اند؛ کودکانی که دخترهای مدرسه‌شان هنوز نیمه‌کاره مانده است. در میان ۱۳ تا ۱۸ ساله‌ها، ۱۲۱ نوجوان کشته شده‌اند؛ نسلی که باید آینده را می‌ساخت، اما در میانه جنگ متوقف شد. بزرگ‌ترین بخش قربانیان را جوانان و میانسالان تشکیل می‌دهند:

۹۶۹ نفر در بازه ۱۹ تا ۳۰ سال،
۷۹۲ نفر در بازه ۳۱ تا ۴۰ سال،
۶۳۹ نفر در بازه ۴۱ تا ۵۰ سال.
در میان کشته‌شدگان حتی سالمندان نیز حضور دارند:
۲۶۷ نفر در بازه ۵۱ تا ۶۰ سال،
۱۶۳ نفر ۶۱ تا ۷۰ سال،
و ۶۰ نفر بیش از ۷۱ سال.
این اعداد نشان می‌دهد که جنگ، مرز سنی نمی‌شناسد؛ از نوزادان تا سالمندان، همه می‌توانند در شعاع آن قرار بگیرند.

رده‌بندی سنی کشته‌شدگان جنگ چهل‌روزه

تعداد	رده سنی کشته‌شدگان
۷ نفر	زیر ۱ سال
۲۵۵ نفر	۱ تا ۱۲ سال
۱۲۱ نفر	۱۳ تا ۱۸ سال
۹۶۹ نفر	۱۹ تا ۳۰ سال
۷۹۲ نفر	۳۱ تا ۴۰ سال
۶۳۹ نفر	۴۱ تا ۵۰ سال
۲۶۷ نفر	۵۱ تا ۶۰ سال
۱۶۳ نفر	۶۱ تا ۷۰ سال
۶۰ نفر	۷۱ سال به بالا
جمع کل	۳۳۷۵ نفر

چهل روز؛ زخمی که سال‌ها باقی می‌ماند
جنگ چهل‌روزه اسفند ۱۴۰۴ تا فروردین ۱۴۰۵ شاید در تقویم تاریخ کوتاه به نظر برسد، اما در حافظه جمعی جامعه، بسیار طولانی‌تر از چهل روز خواهد بود. ۳۳۷۵ کشته تنها یک عدد نیست؛ این رقم به معنای هزاران صندلی خالی در خانه‌ها، مدرسه‌ها، ادارها و خیابان‌هاست. به معنای مادری که هرگز صدای فرزندشان را دوباره نمی‌شنوند و کودکانی که ناگهان در جهانی بدون یکی از والدین بزرگ می‌شوند. آتش‌بس برقرار شده است، اما آماری نشان می‌دهد جنگ هنوز در زندگی بسیاری از خانواده‌ها ادامه دارد؛ جنگی خاموش که در دل سوگ، خاطره و فقدان جریان دارد.

اینفوگراف

هنرمند: ناصر مقدم

داستان مصور

آیا وضعیت پرشدگی سدهای کشور به حد قابل قبول رسیده است؟

بافت روستایی

